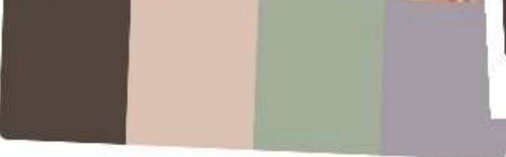
# معرفی چند رنگ کاربردی
# در
# نقاشی پرتره











Armadillo #51453E | Akaroa #DAC1B1 | Bud #A2AD9A | Shady Lady #A49CA4



نویسنده:
زهرا رئیسی

## معرفی چند رنگ کاربردی در نقاشی پرتره

رنگ ها مفاهیم بسیار مجرد و پیچیده ای هستن که هنرمندا به شکل عمیق تری باهاشون سر و کار دارن. چون یه هنرمند صرفا نمیتونه به شیوه ی مکانیکی با رنگ ها کار کنه و لازمه نوعی ادراک نسبت به رنگ ها داشته باشه. اصطلاحا باید احساس خاصی رو از رنگ ها دریافت کنه تا بتونه از اون ها به شکل موثر تری استفاده کنه.
بسیاری از شیوه ها و تکنیک ها به صورت ناخودآگاه پیاده میشن اما هر چه هنرمند نسبت به ناخودآگاه خودش اطلاعات بیشتری به دست بیاره؛ عملیات اجرایی رو به سمت و سوی دلخواه تری هدایت میکنه. یعنی میتونه به اراده ی خودش اتمسفر های خاصی رو خلق کنه یا با آگاهی کامل از احساسات پیچیده ی انسان؛ یک یا چند احساس خاص رو انتخاب و بازنمایی کنه.
در اینجا هم هدف از معرفی رنگ ها تعریف یک شیوه ی ملموس و روانشناسی از رنگ هایی هست که به صورت ترکیبی به دست میان و کمتر میشه اونها رو به صورت خام ایجاد کرد. وقتی برای ناشناخته ها تعریف و اسم ایجاد کنیم؛

می تونیم اونها رو در حین کار انتخاب کنیم؛ فرابخونیم و در حین استفاده کنترل بهتری داشته باشیم.
سیستم های رنگی که بر اساس کد ها و اعداد شکل گرفتن برای دسته بندی و جست و جو در بین رنگ ها بسیار کاربردی و موثرن اما برای ایجاد یک درک روانشناختی و هنری لازمه از نیروی فکر خودمون استفاده کنیم و در مورد هر رنگ اظهار نظر کنیم. یعنی ببینیم که هر رنگ چه احساساتی رو برای ما تداعی میکنه و در چه موقعیت هایی اغلب ظاهر میشه و مورد استفاده قرار میگیره.
اینکه ما چقدر بتونیم احساسی که از رنگ ها میگیریم رو توصیف و تشریح کنیم به کارایی زبان و دایره ی لغات هم بستگی داره و هر چند هنوز همه ی احساسات ما اسم ندارن اما از همین مقدار میشه استفاده های زیادی برای درک هر چه بیشتر رنگ ها کرد.
یک سیستم جهانی برای رنگ ها ایجاد شده که در این کتاب هم به سراغ این سیستم میریم تا رنگ ها و کد ها رو انتخاب کنیم. شما می تونید خودتون به کمک کلماتی که می شناسید برای رنگ ها اسم انتخاب کنید. همون طور که بعضی از افراد یا سایت ها به کمک نویسنده ها یا کاربراشون برای رنگ ها اسم انتخاب میکنن. در واقع اسمی که شما انتخاب

میکنید خدشه ای به ذات رنگ وارد نمیشه و صرفا به شما کمک میکنه که اون رنگ رو راحت تر به یاد بسپارید و تجارب بیشتری در موردش به دست بیارید و تبدیل به بخشی از احساسات یا ادراک شما بشه.
از رنگ هایی که در این کتاب معرفی شده میشه در نقاشی دیجیتال یا به صورت فیزیکی هم استفاده کرد و ساخت این رنگ ها به کمک توضیحاتی که در این کتاب داده شده میتونه راحت تر صورت بگیره. یعنی شما می تونید بفهمید این رنگ ها از چه رنگ های پایه تری تشکیل شدن و بهتره به نسبت چه مقدار از هر رنگ به کار ببرید تا چیزی نزدیک به اون کد رنگ ایجاد بشه.
در نمودار **CIE** که همون سیستم جهانی رنگ هست؛ رنگ ها بر اساس طیف های خالص نور تعریف شدن و اعدادی که در این نمودار به کار رفته مطابقت داره با طول موج اون طیف مریی. طول موج در این نمودار با واحد نانومتر تعریف میشه. در اینجا قصد نداریم در مورد ریاضیات و محاسبات صحبت کنیم. هدف آشنایی حسی با رنگ هاست.
پس پرتره ها رو در سایت **canva.com** قرار میدیم تا کد های رنگ رو استخراج کنه و به ما بگه که در هر نقاشی چه رنگ هایی بیشتر به کار رفتن.

شما می تونید کد رنگ هایی که در این کتاب قرار گرفتن رو شخصا جست و جو کنید و با پالت های رنگ و نقاشی ها و عکس هایی که از این رنگ ها برخوردارن بیشتر آشنا بشید و از این رنگ ها عملا برای نقاشی استفاده کنید.
وقتی سایت **canva** چارت رنگ یک عکس رو استخراج میکنه؛ در کنار کد یک اسم رو قرار داده. این اسم ها همون عنصری هستن که شما می تونید به سلیقه ی خودتون تغییر بدید و اسم ها و تعریف های خاص خودتون رو برای رنگ ها در نظر بگیرید.
سیستم ریاضیاتی که در سایت کانوا به کمک اش رنگ ها رو نشون میده بر پایه ی کد **HTML** هست که ترکیبی از حروف و اعداده. یک کد ۶ رقمی که بعد از علامت # قرار میگیره.

به طور مثال رنگ **Matterhorn** با کد **E3E3D4#** یک رنگ با غلبه ی رنگ قهوه ای و سیاه هست که حالت خنثی داره و نمیشه گفت یک قهوه ای تنده.
رنگ های قهوه ای در آستر سازی و شروع پرتره ها کاربرد زیادی دارن و قهوه ای واندایک هم به همین مناسبت به اسم

یکی از نقاشای معروف نام گذاری شده. شما می تونید از طیف های مختلف رنگ قهوه ای برای شروع و تکمیل نقاشی های پرتره استفاده کنید. علت کاربردی بودن این رنگ اینه که از رنگ های اصلی افزایشی درست شده. یعنی سبز؛ نارنجی و بنفش. شما می تونید با ترکیب این رنگ ها به نسبت های مختلف؛ انواعی از رنگ های قهوه ای رو درست کنید.

هر چه شما به رنگ حساس تر باشید؛ در انتخاب رنگ ها توازن بیشتری رو ایجاد میکنید. در واقع زیاد اهمیتی نداره که شما نقاشی رو با کدوم طیف قهوه ای شروع کنید مهم اینه که بدونید در کنار هر رنگ بهتره چه رنگ جدیدی رو اضافه کنید تا نقاشی شما همنوا با اتمسفری پیش بره که در ذهنتون نقش بسته.

برای این که بهتر این رنگ رو تفکیک و تعریف کنیم می تونیم به سراغ سیستم **RGB** بریم که بر اساس نسبت ترکیب ۳ رنگ طراحی شده. قرمز؛سبز و آبی. در این سیستم دیگه خبری از حروف الفبا نیست و در مقابل همین سه حرف آر جی بی صرفا اعدادی قرار میگیرن که به میزان شدت حضور اون طیف اصلی اشاره دارن. هر چند این سیستم بر

اساس ترکیب طیف های نور طراحی شده و عملا در حین استفاده از رنگ در برنامه های نقاشی دیجیتال و روی بوم رنگ ها به شکل دیگه ای ترکیب میشن اما برای پیدا کردن رنگ ها به طور مجرد سیستم کارآمدی هست. در مانیتور ها در اثر ترکیب این سه رنگ؛ طیف سفید ایجاد میشه در حالی که در روی بوم ممکنه یک رنگ بسیار تیره ایجاد بشه. این موضوع به ویژگی ماده و متریال بر میگرده اما این سیستم به سبب کد گذاری رنگ ها می تونه به شناخت و مطالعه و جست و جو در بین رنگ ها به ما کمک کنه.
حالا به سایت **rapidtables.com** میریم تا ببینیم این رنگ **matterhorn** در سیستم آر جی بی چه اسمی داره.
وقتی کد **E3E3D4#** رو در این سایت وارد کنیم؛ عدد ۷۸ ۶۲ ۶۱ رو نشون میده. یعنی این که رنگ آبی تا حدی در این رنگ غالب تره اما این درصد بسیار ناچیزه و این رنگ ترکیبی نسبتا برابر از هر سه ی این رنگ هاست.
حالا بیاید اعداد رند تری رو درون این سیستم قرار بدیم و ببینیم به تناسب هر عدد رند و ساده تر؛ چه رنگ هایی رو به ما معرفی میکنه.

وقتی عدد ۱ ۱ ۱ رو درون این سیستم قرار دادم؛ سیاه رو نشون میده. کد **HEX** به این صورته: 010101#
وقتی عدد ۱ ۰ ۰ رو درون این سیستم قرار میدم رنگی شبیه به سیاه رو نشون میده اما درصدی تفاوت داره. کد **HEx**: 010000#

رنگ قرمز خالص با عدد ۲۵۵ ۰ ۰ نشون داده میشه. کد **hex: ff**0000
کد ۲۵۵ ۲۵۵ ۰ یک طیف روشن و جیغ از رنگ زرد رو نشون میده.
کد ۲۵۵ ۲۵۵ ۲۵۵ رنگ سفید رو نشون میده.
کد ۰ ۲۵۵ ۲۵۵ رنگ آبی فیروزه ای رو نشون میده.
کد ۰ ۰ ۲۵۵ رنگ آبی پر رنگ تری رو نشون میده.
کد ۰ ۲۵۵ ۰ طیفی از رنگ سبز چمنی و روشن رو نشون میده.
عدد ۲۵۵ مساوی هست با قرار گرفتن نشانگر رنگ در مربعی که طیف های یک رنگ رو این سیستم نشون میده. این مربعی هست که شما در حین نقاشی با اکثر برنامه های گرافیکی مثل فتوشاپ و اتودسک میتونید ببینید.

در جریان این کتاب از همون اسم هایی که سایت کانوا برای رنگ ها در نظر گرفته استفاده میشه اما هدف اینه که یادداشت گذاری هایی برای انواع کد رنگ هایی صورت بگیره که انتخاب خوبی برای نقاشی چهره می تونن باشن. افرادی که دوست دارن چهره هایی نسبتا واقعی بکشن؛ نقاشی سورئال یا تصویرگری هایی شبیه به اونچه که در مانگا و بازی های ویدیویی صورت میگیره. کلمات و جملاتی که در توصیف رنگ ها به کار میره قادره حساسیت ذهن رو به کاربرد رنگ ها افزایش بده و به شکل آگاهانه تری پالت رنگ خودمون رو انتخاب کنیم.

به رنگ پوست آدم ها در دنیای واقعی توجه کنید. پوست ما آدم ها با توجه به رنگدانه و وضعیت سلامتی دارای رنگ های متفاوتیه. با توجه به وضعیت نور محیط هم رنگ پوست تا حدی تفاوت پیدا میکنه. در عالم نقاشی ما فقط درگیر رنگ محیط و رنگ پوست نیستیم بلکه میتونیم یک سری طیف ها رو وارد توده ی پوست کنیم. یعنی اینطور به نظر میرسه که خوده فرد داره یک سری نور ها و رنگ های

خاص رو منتشر میکنه. به طور مثال بعضی از نقاشا یک سری جلوه های صورتی و آبی رو وارد پرتره نگاری میکنن و این جلوه ها رو درون هر صورتی با هر رنگ پوستی ممکنه نشون بدن. در بعضی از نقاشی های دوران کلاسیک ما به وضوح یک سری جلوه های فسفری یا رنگ های سبز رو درون پوست می بینیم. این جلوه ها انگار که جزوی از هویت اسرارآمیز فرد شدن و به نظر میرسه که نقاش به شکل متفاوت و خیال انگیزی به چهره ی انسان نگاه کرده.
این جلوه های خیال انگیز در قرون جدید بیشتر میشن و نقاشایی رو میبینیم که بافت ها و الگوهای خاص خودشون رو درست میکنن و از این طریق امضا های ملموس و چشمگیر تری درست میکنن. به شکلی که ونگوک با اون بافت های عجیب و شورانگیز خودش هر جا دیده بشه هنوز که هنوزه بلافاصله ونگوک رو به یاد ما میاره.
جلوه های خاصی که بنا به سلیقه و حال روحی خودتون به نقاشی ها اضافه میکنید براتون به تدریج سفر هایی ذهنی رو درست میکنه. مثلا در ابتدای یک فصل شما رنگ نقره ای رو به پالتتون اضافه میکنید. در ابتدا این رنگ براتون جذابیت داره اما وقتی باهاش نقاشی میکشید به تدریج آگاهی شما در مورد اون رنگ افزایش پیدا میکنه. اون رنگ مثل

دوستی میشه که شما باهاش سفر میکنید و در جریان سفر اسرار بیشتری رو در مورد شخصیت پیچیده اش یاد میگیرید.




رنگ گچی خردلی
کد آر جی بی: ۲۳۹ ۲۲۰ ۲۱۱
این رنگ حسی از آستر های گچی رو تداعی میکنه. خیلی شبیه به برخی رنگ های مواد آرایشی ای هست که برای زیر سازی و پنهان کردن نقاط آسیب دیده یا اسکار ها مورد استفاده قرار میگیره. میشه ازش به عنوان لایه ی اول رنگ آمیزی پوست هم استفاده کرد اما در نهایت خودنمایی زیادی نداره و بیشتر شبیه ماده ای هست که مواد ظریف تر و

خودنما تر میتونن با خیال راحت بهش بچسبن. دقیقا مثل گچی هست که روی دیوار قرار میگیره و میشه روی این گچ یک سری کاشی ها یا اشیای کوچک و درخشان رو چسبوند.
این رنگ آغاز گر خوبی هست و از طیف رنگی نارنجی مشتق شده. رنگ نارنجی حس نشاط و حرکت رو تداعی میکنه. میتونه انسان رو ترغیب کنه تا ایده های ذهنیشو تبدیل به مفاهیمی ملموس و واقعی کنه. مفاهیم متافیزیکی رو به مفاهیم فیزیکی تبدیل میکنه و قوه ی خلاقه ی ما رو تحت پوشش قرار میگیره. در عین حال لازمه با احتیاط و رعایت اخلاقیات ازش استفاده کنیم. آدم هایی که از این نیرو در جهت منفی استفاده میکنن میتونن چیز های مخرب و انگل گونه ای رو خلق کنن. مثل آثار هنری ناسالم یا ایده های خلاقانه ای که نسل بشر رو به سمت نابودی میبرن.
رنگ گچی خردلی بیشتر مایل به سفید هست. رنگ سفید تداعی کننده ی احساساتی مثل صلح؛ آمادگی برای شروع دوره ی ریکاوری؛ درمان و التیام و خالی بودن زمینه است.
یک صفحه ی سفید به ما یادآور میشه که چیزی میتونه شروع بشه مثل نوشته شدن یک متن یا کشیده شدن یک

نقاشی. این مفهوم در حین استفاده از رنگ گچی خردلی هم رخ داد. توصیفاتی که در مورد رنگ نارنجی و سیاه و سفید وجود داره در رنگ گچی خردلی به نسبت های مختلف ترکیب پیدا میکنن و مفهوم جدیدی رو خلق میکنن که تا حد زیادی وام گرفته از مفهوم رنگ های پایه تر هست.
رنگ گچی خردلی به کمک ترکیب سه رنگ نارنجی و سفید و مشکی گسترش پیدا کرده و در سیستم آر جی بی غلبه ی رنگ قرمز بیشتره. قرمز احساس امنیت و تکیه گاه داشتن رو تداعی میکنه. نمادی از انرژی دفاعی زیاد هم هست.

رویا سازی به کمک تمرکز:
ذهن ما در حین استراحت و خواب؛ به کمک احساساتی که تجربه کردیم یک سری داستان یا تصاویر رو خلق میکنه که میتونن در سرزمین ها و ژانر های مختلفی باشن. این تصاویر هر چند با تجارب روزمره ی ما میتونن تفاوت داشته باشن اما به لحاظ احساسی ریشه در همون احساساتی دارن که ما هر روز میتونیم تجربه کنیم.
ذهن ما قابلیت اینو داره که برای احساسات مختلفی که تجربه میکنه در حالت عادی هم تصاویری بسازه. به طور مثال

نویسنده ها رو ببینید؛ اونها هر چند ممکنه زندگیشون اصلا شبیه داستان هاشون نباشه اما احساساتی رو میتونن درون داستان هاشون به خوبی توصیف کنن که خودشون به نحوی تجربه کرده باشن. اون احساس رو طوری در قالب کلمات و سمبل ها بیان میکنن که خواننده هم بتونه تجربه کنه.
یه راه برای اینکه بتونیم درک و تجربه مون از مفاهیمی مثل رنگ ها رو منتقل کنیم اینه که داستان یا طرح رویاواره ای ازشون تجسم و توصیف کنیم. بعد میتونیم این رویا رو تفسیر و موشکافی کنیم یا از این طرح واره برای یاداوری و درک بیشتر اون رنگ خاص استفاده کنیم.
داستان:
راکن سفید رنگی در دشتی با گل های ارغوانی در حال دویدن هست. لحظه ای صبر میکنه و به نقطه ای خیره میشه. هوا مه آلوده و تصاویر واضح نیستن.
سمبل ها: راکن
هوای مه گرفته
گل های ارغوانی
راکن سفید
رنگ ارغوانی
رنگ سفید

خیره شدن

تعبیر خواب راکن

راکن موجودی پستاندار و گوشت خواره که عموما در امریکای شمالی زندگی میکنه. رنگ این موجود در طبیعت سیاره ی زمین بیشتر به رنگ خاکستری با رگه های نقره ای و سیاهه. این موجود بیشتر علاقه داره که درون جنگل زندگی کنه اما چنانچه لازم باشه درون مناطق کوهستانی و تالاب ها و محیط های شهری هم زندگی میکنه.

راکن به چهره ی معصوم و بازیگوش اما رفتار تهاجمی و خشن معروفه. به این صورت که گزارشای زیادی در مورد خسارت زدن و حمله ی این موجود ثبت شده.

وقتی موجودات در عالم خواب ظاهر میشن سعی دارن که به توصیف احساسات پیچیده و رفتار های عجیب ما آدم ها بپردازن. وقتی در عالم خواب با یک راکن رو به رو میشید توجه داشته باشید که این موجود چه رفتارهای مثبت یا منفی ای میتونه از خودش بروز بده. این که انسان بتونه چهره ای مطلوب از خودش نشون بده اما به موقع هم در مقابل افراد سو استفاده گر واکنش نشون بده و اونها رو از خودش دور

کنه رفتاری بسیار زیرکانه و جالبه اما چی میشه اگر ما ادم ها از این توانایی سو استفاده کنیم؟ اون وقت دنیا جای ناامن تری میشه و احساس آرامش رو از همدیگه میگیریم. دیگه کسی به ظاهر زیبا و معصوم ادمیزاد اهمیت نمیده و همه وارد یه جنگ سطح پایین برای بقا میشیم.

وقتی در عالم خواب با یه راکن رو به رو میشید این خواب داره شما رو به اون دسته از توانایی های رفتاری ای ارجاع میده که بین شما و راکن مشترکه. و ازتون میخواد که از این توانایی آگاهی به دست بیارید و در جهت خوبی ازش استفاده کنید. اگر شما از توانایی مقابله و دفاعتون آگاهانه استفاده کنید کمتر آسیب میبینید و کینه و نفرت کمتری نسبت به دیگران درونتون شکل میگیره.

ما اغلب آدم هایی که دو رو و متظاهر هستن و دیگران رو با ظاهر زیباشون فریب میدن نفرت داریم اما حقیقتی وجود داره و اون اینه که ممکنه خیلی از این افراد در ابتدا ایده ای در مورد شیوه ی فریب دادن آدما نداشته باشن یا حتی بدونن که مشغول انجام یه کار غیر اخلاقی هستن اما چون یک زمان خودشون قربانی شدن تصمیم گرفتن که خودشون هم از توانایی هایی که دارن سو استفاده کنن. گرچه قربانی بودن توجیه خوبی برای آسیب رسوندن به دیگران و فریب

دادنشون نیست اما حقیقت اینه که اگر ما از توانایی ها و استعداد هایی که داریم استفاده نکنیم؛ آسیب هایی که میتونستیم تا حد زیادی ازشون جلوگیری کنیم ممکنه رخ بدن و درون قلبمون ایده ی انتقام جویی و نفرت رو بسازن.

طیف مرئی امواج

به نظر میرسه که در حین تبدیل مفاهیم ذهنی و متافیزیکی به مفاهیم انتزاعی و ملموس تر؛ ابزار های ما شبیه به میزان طیف مریی امواج هستن. اگر به طیف الکترومغناطیسی توجه کنید فقط یک بخش کوچکی از این طیف با چشم انسان قابل دیدنه. برای شناخت احساسات هم به نظر میرسه که ما همینقدر دسترسی های ملموس به اونچه که بهش احساسات گفته میشه داریم. یعنی بقیه ی احساسات بسیار ناملموس تر و توصیف ناپذیر هستن و لازمه با یک سری واسطه هایی که ویژگی های خودشون رو از همین ابزار های ملموس وام گرفتن توصیف کنیم.

احساساتی درون ما وجود دارن که قادر نیستیم با کلمات و احساسات شناخته شده نامگذاری یا توصیف شون کنیم و برای این کار لازمه چند ترکیب از احساسات و تمثیل های

شناخته شده رو کنار هم قرار بدیم تا بتونیم به اون احساس ناملموس اشاره کنیم. مثلا برای توصیف افسردگی به زبان سمبل ها میتونیم از ترکیب دو رنگ خاکستری و آبی استفاده کنیم. در حالی که خاکستری به تنهایی و آبی به تنهایی لزوما اشاره ی خاصی به احساس افسردگی نمیکنه.
طول موج طیف مریی بین ۳۸۰ تا ۷۴۰ نانومتر و بسامد این طیف بین ۴۳۰ تا ۷۷۰ تراهرتز هست. اگر ما بتونیم یک سری مفاهیم یا همون احساسات رو در مقابل رنگ های این طیف قرار بدیم در ادامه میتونیم یک سیستم عددی برای اشاره به احساسات پیچیده تر به دست بیاریم و مثلا وقتی بخوایم احساس پیچیده ای مثل ترس از گربه رو با رنگ ها نشون بدیم راحت تر به کمک اعداد اون رنگ های خاص که نیاز داریم رو فرا بخونیم.
دانشمندا عقیده دارن که چشم انسان به طول موج ۵۵۵ نانومتر حساسیت بسیار بالایی داره که این موج اشاره به رنگ زرد داره. برای همین عناصر مهم در سطح شهر رو با رنگ زرد نشون میدن. این رنگ قادره یه تفکیک خیلی خوب ایجاد کنه.

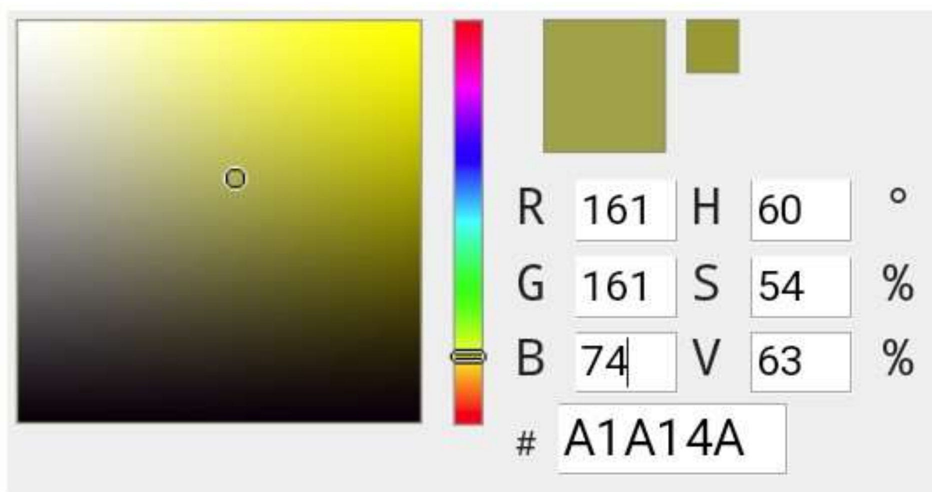
منظور از بسامد چیه؟

بسامد اشاره به همون کلمه ی مشهور فرکانس داره که تعداد تکرار یک رویداد رو در واحد زمان نشون میده. فرکانس رو در چند موقعیت و حالت دیگه هم به کار میبرن و هر کدوم تفاوت هایی داره. به این نوع فرکانسی که به مفهوم بسامد اشاره داره فرکانس زمانی گفته میشه. به جز فرکانس زمانی یه مفهوم هست به اسم فرکانس فضایی و فرکانس زاویه ای هم وجود داره. بسامد یا فرکانس زمانی با واحد هرتز اندازه گیری میشه و بر اساس واحد زمانی ثانیه است. حالا ما می خوایم از فرکانس زمانی برای درک مفهوم رنگ ها استفاده کنیم ولی در واقع از این مفهوم برای درک ارتعاش مکانیکی؛ صدا و امواج رادیویی هم استفاده میشه. رنگ ها با مبحث نور مرتبط هستن.

اون بخش از رنگ ها که در قالب طیف مریی امواج نیستن یا در واقع به صورت پرتو نور دیده نمیشن ابزار هایی برای اشاره به برخی از مفاهیمی دارن که در لایه های زیرین تر احساسات ما قرار میگیرن. به طور مثال رنگ سرخ تیره در واقع به خاطر انعکاس پیدا نکردن بخشی از نور اینطور دیده میشه اما ماهیت داره و میشه با یک مقدار عددی نشون داد که این رنگ چی هست و چه بخشی از نور رو کسر

کرده.

اگر رنگ زرد معادل ۵۵۵ نانومتر باشه؛
طیف رنگ زرد در طیف الکترومغناطیسی بین ۵۰۸ تا ۵۲۶ تراهرتز و ۵۷۰ تا ۵۹۰ نانومتر هست.
در سیستم آر جی بی؛ زرد ترین رنگ ممکن همچین کدی داره: ۲۵۵ ۲۵۵ ۰
که یعنی رنگ قرمز و سبز به حداکثر میزان ممکن و آبی به حداقل میزان ممکن رسیده.
۲۵۵با ۲۵۵ میشه ۵۱۰
این عدد توی محدوده ی تراهرتزی که برای این طیف در نظر گرفته شده میتونه قرار بگیره.




این کد رنگ رو در نظر بگیرید: ۱۶۱ ۱۶۱ ۷۴
یک رنگ زرد خیلی مایل به خاکستریه.

**161+161+74=396**

زرد ترین رنگ ممکن به عدد ۵۱۰ رسید و اگه ۳۹۶ رو از ۵۱۰ کم کنیم:

**510_396=114**

۱۱۴ مقدار از این رنگ نادیدنی هست و به لایه های مخفی تر اشاره داره. برای درک بیشتر این مقدار؛ هر چه زرد هست رو از این رنگ میگیریم تا ببینیم چه مقدار سیاه و سفید داره که برای این کار به سراغ میله های **HSL** میرم و میله ی **S** رو به عدد صفر میرسونم.
حالا یک رنگ خاکستری با کد آر جی بی ۱۱۷ ۱۱۷ ۱۱۷

داریم.

**117+117+117=351**

396_351=45 که این نتیجه تقریبا برابر با مقدار میله ی **L** در سیستم **HSL** هست. دستگاه من این عدد رو ۴۶ نشون داد.

رنگ سفید در سیستم آر جی بی به نظر همچین کدی داره: ۲۵۵ ۲۵۵ ۲۵۵

**255+255+255=765**

حداکثر طول موج برای طیف سرخ هست که چیزی معادل عدد ۷۵۰ نانومتر

و حداکثر بسامد برای رنگ بنفش هست که چیزی حدود ۷۸۹ تراهرتزه.

۱۲۸ ۱۲۸ ۱۲۸

یک رنگ کاملا خاکستری که حسی از نیمه مجهول بودن رو تداعی میکنه. تصویر یک راسو که بعد از بارون و طوفان از غاری در حوالی جنگل به بیرون میاد و به اطراف

نگاه میکنه. راسو به حرکت در میاد و به بوته ای با برگ های سبز کوچک و میوه های کوچک و گرد قرمز رنگی میرسه. راسو از اون میوه های ریز تغذیه میکنه. در کنارش بوته ای کوتاه هست که میوه های درشت تری داره. این میوه ها به رنگ ارغوانی هستن و شکلشون گرده.
سمبل ها:
راسو
میوه ی قرمز
میوه ی بنفش
جنگل
بارون
طوفان
غار
غذا خوردن
پناه گرفتن در هنگام باران

تعبیر خواب:
دوره هایی از زندگی هست که لازمه خودمون رو در مقابل احساسات شدیدی که سعی دارن سلامت ما رو به خطر بندازن حفظ کنیم و به نحوی از محیط و افکار و موقعیت

های تنش زا فاصله بگیریم. به طور مثال بعد از بحران های عاطفی لزوما صحبت با ادم های مختلف و اشتراک گذاشتن تجربه نمیتونه کمکی به بهبود حال ما کنه بخصوص اگر در معرض افرادی باشیم که قادر به درک وضعیت نیستن و ما رو مورد قضاوت قرار میدن. در واقع در این دوران حتی باید مراقب قضاوت های تند و شدیدی که در مورد خودمون انجام میدیم هم باشیم. تصمیم های شدید و هیجانی در این دوران میتونه عاقبت بدی برای ما داشته باشه. غار ها به محدوده ی تنهایی ما اشاره دارن. تنهایی همیشه خوب نیست اما گاها به ما کمک میکنه تا قوای خودمون رو به دست بیاریم و قوی تر از گذشته به زندگی عادی برگردیم.

میوه های قرمز نمادی از احساس امنیت و قدرت هستن که کمک میکنن از خودمون در مقابل موقعیت ها و احساسات منفی محافظت کنیم. احساسی که بعد از خروج از تنهایی لازمه ازش بیشتر تغذیه کنیم.

حالا فرض کنید که این رنگ رو مقداری تغییر میدیم. مثلا ۱۵۳ ۱۵۳ ۱۵۳

این هم یه رنگ خاکستری هست که در ظاهر تفاوت چندانی با رنگ قبلی نداره. حالا سوالی که پیش میاد اینه که چقدر سنتز یا رویابافی برای این رنگ با رنگ قبلی میتونه متفاوت باشه؟

حقیقت اینه که رویابافی ها مقدار بسیار اندکی از یک رنگ رو آشکار میکنن و اگر بخوایم به طور مفصل در مورد یک رنگ رویاسازی کنیم میشه برای هر رنگ یک کتاب نوشت و رویاهای بیشماری ساخت و تفسیر کرد و همه ی این تفسیر ها تا حدی کمک میکنن تا اون رنگ خاص رو درک کنیم.

اگر به طور مثال برای رنگ قبلی ۱۰۰ رویا بنویسیم؛ میشه گفت اکثر اون رویاها در مورد این رنگ ۱۵۳ ۱۵۳ ۱۵۳ هم صدق میکنن اما ادبیات ما به قدری نارسا هست که نمیشه تفاوت خاص و روشنی بین این دو رنگ توصیف کرد.

به این ترتیب شناخت ما بسیار نسبیه و در مسیر شناخت و درک دنیای مثالی رنگ ها و رویا ها لازمه راه بسیار طولانی ای رو بریم و تجارب بیشتری به دست بیاریم تا بتونیم تفاوت بین این طیف های ظریف تر رو بیشتر درک و توصیف کنیم.

در واقع ما تجارب زیادی در مورد رنگ ها داریم اما در مورد نحوه ی توصیفشون میشه ابزار های فکری بسیار

متنوعی خلق کرد.
در توصیف این رنگ در حال حاضر من فقط کد ۱۵۳ ۱۵۳ ۱۵۳ رو دارم. برخی سایت ها ممکنه براش اسمی هم گذاشته باشن و در سیستم های رنگ شناسی دیگه کد ها و اعدادی براش در نظر گرفته شده اما نمیتونم کتابی که صرفا به این کد اختصاص داره پیدا کنم. ما فقط میتونیم کتاب هایی در مورد رنگ خاکستری پیدا کنیم.
فکر میکنم بهترین کمکی که میتونم به خودم در مسیر یادگیری و درک رنگ ها انجام بدم اینه که در مورد رنگ ها رویاهایی بسازم و سعی کنم این رویاها رو درک کنم و تجربه ای که از این سفر های ذهنی به دست میارم رو یادداشت کنم. در واقع هیچ وقت نمیتونم همه ی طیف های رنگ رو با این روش درک کنم اما میتونم با رنگ های زیادی کار کنم و رویاهای زیادی رو تجربه کنم.




نوعی رنگ صورتی
کد: ۱۵۳ ۱۵۳ ۲۴۵
رنگ دیگه ای که طی فصل اخیر زیاد برای رنگ آمیزی پرتره ازش استفاده میکردم نوعی رنگ صورتی هست که ۷۸ درصد رنگ سفید داره و طیف رنگیش هم تقریبا به طور کامل با غلبه ی رنگ قرمزه. اینطور صورتی ها معمولا جنجالی تر هستن و لزوما حس معصومانه ای ندارن. رویایی که درون این رنگ میبینم رویا یک کیک خامه ای مخصوص تولد هست و دختر بچه ای که موهای طلایی و نارنجی داره. اما دختر بچه تنهاست و پدر و مادری در

کنارش نمیبینم. به هر صورت دختر بچه خوشحاله.
روی کیک؛ قرص هایی به رنگ آبی پر رنگ میبینم و سه شمع که به نظر میرسه رنگ سفید دارن با رگه هایی از رنگ های سرخ و زرد
سمبل ها:
دختربچه
کیک تولد
آشپزخونه
تنهایی
موهای طلایی و نارنجی زیبا
فوت کردن شمع تولد
نداشتن پدر و مادر
جشن تولد

تعبیر خواب:
تولد نماد یادآوری یک مسیر و شروع امیدبخش هست. تولد به ما یادآور میشه که هنوز فرصت داریم و لازمه فرصت رو غنیمت بشمریم. فرصت برای لذت بردن از زندگی و کسب تجربه.
تنهایی و نبود والدین می تونه به معنی نداشتن پشتیبان و

راهنما یا الگو های فکری خوب باشه. گاهی افکار و عادت هایی که به ارث میبریم ناکارامد هستن و نمی تونن در تمام مسیر زندگی ما رو پشتیبانی کنن. داشتن اینطور افکار لزوما حس خوبی نداره چون ممکنه باعث بشه که در یک مرحله از زندگی یا تا اخر عمر احساس سردرگمی رو تجربه کنیم. اما زمانی که افکار زیبایی داشته باشیم میشه انگیزه ها و اهداف جدیدی ساخت.

موها در قسمت سر قرار گرفتن و جمجمه و مغز ما رو پوشش میدن. اون ها به طور سمبلیک یادآور افکاری هستن که قادر به پرورش و بروز دادن شون هستیم و وجهه ای که به کمک این افکار میتونیم برای خودمون درست کنیم.

کیک تولد یک خوراکی روتین نیست و ما اینطور خوراکی ها رو به مناسبت های ویژه مصرف میکنیم تا برامون موندگار و دوست داشتنی جلوه کنن. دوره هایی از زندگی هست که با یک تصمیم یا کار به ظاهر ساده؛ انرژی مثبت زیادی رو برای خودمون ایجاد میکنیم و خودمون رو به نحوی تشویق میکنیم تا یک شروع دوباره داشته باشیم و قدر فرصتی که برامون مونده رو بیشتر بدونیم.






Tyrian Purple
#64043C

داوینچی و بعضی از گزارشگرای تاریخ هنر در مورد تاثیر و اهمیت رنگ ارغوانی یا طیفی شبیه بهش صحبت کردن و عقیده دارن که این رنگ بسیار اسرار آمیز و شگفت انگیزه. اگر بخوایم به سبک سمبل شناسا به این رنگ نگاه کنیم خب میشه گفت که این رنگ از ترکیب دو رنگ قرمز و آبی شکل گرفته و به سمت پرده های تیره و مشکی تمایل پیدا کرده. این تمایل به سیاهی باعث شده تا بخشی از هویت و ماهیت این رنگ ابهام آمیز جلوه کنه و همون طور که رنگ سفید نمادی از روشنی و شفافیت هست؛ سیاه در هر جا که ظاهر شده جلوه ای اسراری به محیط بخشیده. این رنگ سیاه لزوما سمبلی منفی و پلید نیست در واقع هیچ کدوم از سمبل ها رو نمیشه مطلقا مثبت یا منفی تلقی کرد. باید این موضوعو در نظر گرفت که سمبل در کجا و چطور ظاهر شده و داره چه نقشی رو بازی میکنه.

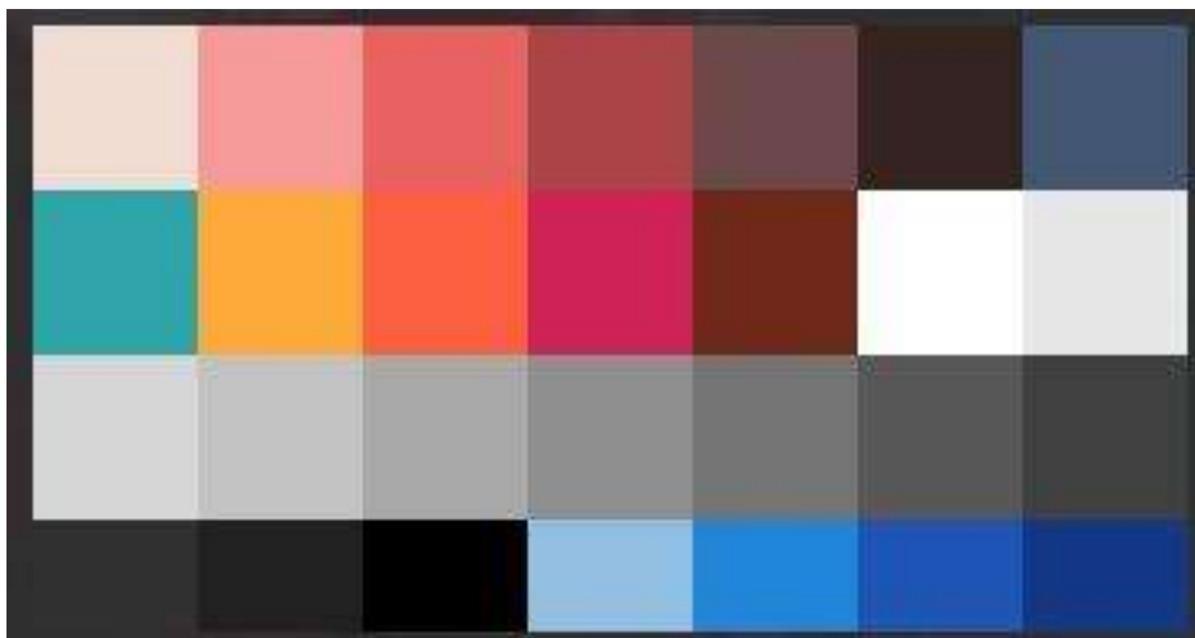
رنگ قرمز و آبی در اینجا دو مفهوم بسیار جالب رو میتونن تداعی کنن. این رنگ همچین رویا یا داستانی رو تداعی میکنه. پادشاهی مراقب قلمرو اش هست و از نفوذ موجودات مزاحم جلوگیری میکنه. این پادشاه یک سری افراد ماجراجو و باهوش رو در اختیار داره که این افراد رو برای کسب تجربه و اطلاعات به نقاط مختلف جهان میفرسته. این افراد

بنا به ماموریتی که در حال انجام اش هستن در معرض امتحانات مختلفی هم قرار میگیرن و دشمن تراشی های بسیاری برای این پادشاه و تمدن اش صورت میگیره چون مردم از این دسته آدم های باهوش اما بیگانه خوششون نمیاد.
این آدم های باهوش بنا به ذاتی که دارن ممکنه گاها سعی کنن ایده هایی رو در سطح جهان پراکنده کنن. این ایده ها لزوما درست یا اشتباه نیست اما چون از طرف افرادی کاریزماتیک و متفاوت گفته شده میتونه بسیار حساسیت برانگیز باشه.
این افراد صرفا به کمک و حمایت پادشاه میتونن به سفر خودشون در سطح جهان ادامه بدن و رسالت خودشون رو عملی کنن. پادشاه همون رنگ قرمز و این فرستاده ها همون رنگ آبی هستن. در سیستم چاکرا ها این رنگ آبی پر رنگ یا طیف های شبیهش مرتبط با چاکرای چشم سوم و گلو شناخته شدن. رنگ سرخ با چاکرای ریشه مرتبطه و حس امنیت و قدرت رو تداعی میکنه. همچنین حس تعلق و شجاعت رو تا حد زیادی ساپورت میکنه. چاکرای چشم سوم قدرت های اسراری رو برانگیخته میکنه و از جمله قدرت هاش تحت عنوان هیپنوتیزم شناخته شده.

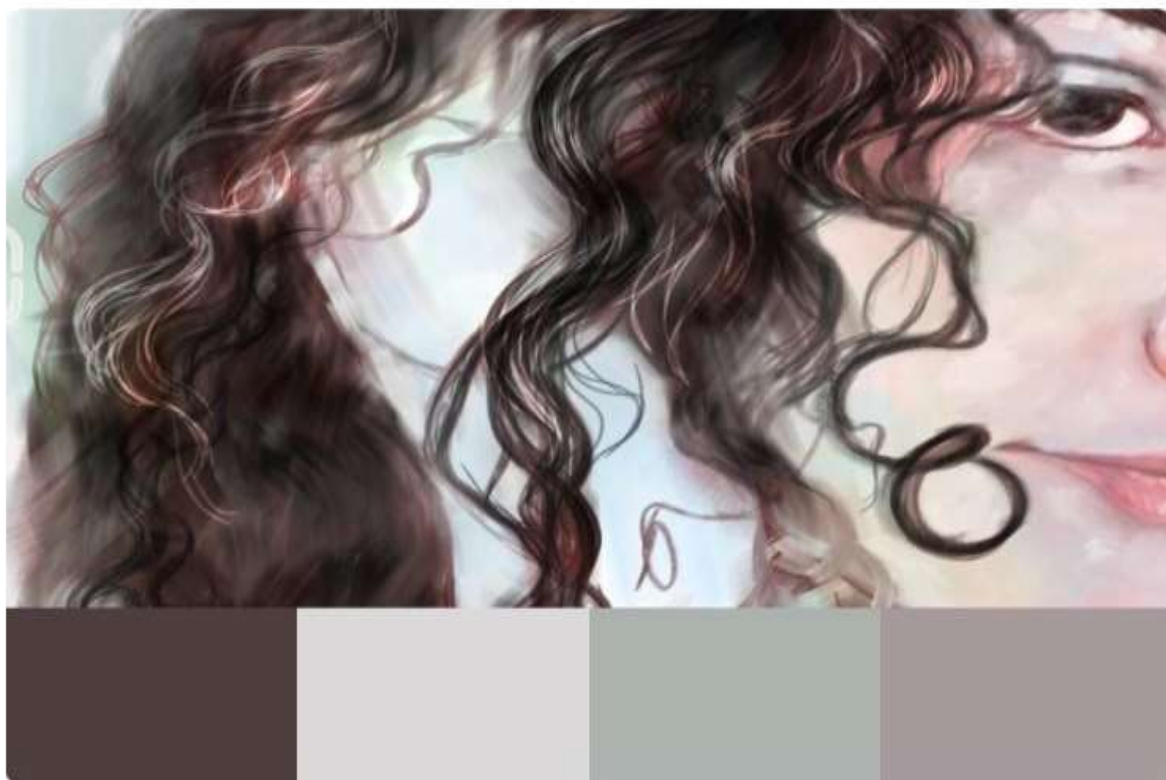
این رنگ بسیار مرتبط با تمدن لموریا هست که در افسانه ها و داستان های تاریخی در موردش صحبت شده. داستان برمیگرده به دوازده هزار سال پیش و دورانی که دو تمدن پیشرفته و مهم لموریا و آتلانتیس روی این سیاره زندگی میکردن. مردم لموریا مردمانی جدید تر نسبت به آتلانتیسی ها بودن ولی به لحاظ اخلاق و علم در حال پیشی گرفتن از اجدادشون بودن. لمورین ها ویژگی ها و جوامع به نسبت متفاوتی داشتن و این موضوع به مزاج پادشاه آتلانتیس خوش نمی اومد. جنگی طولانی که بین این دو تمدن در گرفت باعث شد که بخش زیادی از موجودات زنده ی سطح زمین از بین بره و سطح زندگی به شدت نزول کنه و به یه حالت بدوی در بیاد.
این رنگ ارغوانی مرتبط با لمورین ها هم شناخته شده. لمورین ها معمولا به همین شکل زندگی میکردن. اونها علاقه ای نداشتن که در زندگی تمدن های دیگه دخالت کنن و اونها رو وادار کنن که یکباره جوامع خودشون رو تغییر بدن. یعنی به آدم ها حق انتخاب میدادن. اما بعضی از مردم این قوم؛ به سرزمین ها و تمدن های دیگه مهاجرت میکردن. هر چند سطح زندگی و فرهنگ در تمدن های دیگه به نسبت

قوم لموریا خیلی پایین بود اما این رو وظیفه ی اخلاقی خودشون میدونستن که از احوالات سیاره با خبر باشن.
ذات پلیدی ذات انگلیه و مهم نیست به چه تمدنی میچسبه.
هر چند آتلانتیسی ها مردمانی بسیار باهوش بودن اما ریشه ی همچین تمدنی خشک شده. تمدن آتلانتیس بسیار پیشرفته از پیشرفته ترین کشور های فعلی زمین بود اما قبل از این که مشکلات اقتصادی یا بیماری های کشنده به سراغش بیاد؛ زمینه ی نابودی خودش رو فراهم کرد. در واقع این وضع اقتصادی نبود که در تمدن لموریا یا آتلانتیس دچار فروپاشی شد؛ این اخلاق بود که نابود شد و به دنبال خودش یک تمدن بزرگ رو به افسانه تبدیل کرد.
اما هر جا که بذر اخلاق و مسئولیت پذیری مجددا کاشته بشه چیزی شبیه به تمدن لموریا مجددا شکل میگیره. افرادی که در مورد ارزش اخلاق اگاه هستن همیشه در مقابل بی اخلاقی واکنش نشون میدن و معمولا مشکلات دیگه ی زندگی اونقدر ها اونها رو دچار دشواری و دلواپسی نمیکنه. چون میدونن ریشه ی همه ی این مشکلات به نحوی به سست بودن اخلاقیات برمیگرده.
این افراد در مقابل افرادی که رفتار های نابهنجار نشون میدن ریزنگری خاصی دارن و همیشه به دنبال این هستن

که به جای حذف کردن موجودات نابهنجار؛ سعی کنن اخلاقیات رو در وجودشون تقویت کنن.



تصویر چارت رنگ پرتره نگاری در یک فصل اخیر



| Matterhorn | Alto | Edward | Dusty Gray |
| --- | --- | --- | --- |
| #4E3E3D | #DCD9DA | #ACB2AD | #A69A9D |

چارت رنگی که توسط سایت کانوا از یک پرتره استخراج شده. این رنگ های استخراجی گزینه های خوبی برای رویاسازی و اضافه شدن به چارت رنگ جدید فصل های بعدی هستن.

رنگ مترهورن با غلبه ی رنگ قهوه ای؛ حس تمرکز در شرایط مرموز یا گیج کننده رو تداعی میکنه. وقتی در پرتره نگاری با طیفای قهوه ای کار میکنیم میتونه کمک کنه به مچ شدن لایه های رنگی بعدی. چون قهوه ای خودش از رنگای

اصلی درست شده. رنگ قهوه ای شبیه آچار فرانسه است به عبارتی.
رنگ ادوارد با غلبه ی سبز و سفید ترکیبی از حس نبرد و شجاعت؛ توجه به قوانین و نظم منطقی رو تداعی میکنه. در پرتره نگاری میتونه حس جذبه و گرایش کاراکتر به اون ویژگی های خاص رو تداعی کنه. رنگ سبز تا حد زیادی در مورد ویژگی جنگ جو بودن به کار رفته تا به امروز.

یکی از چیزایی که خیلی وقتا ذهنم رو درگیر کرده این بوده که چطور رنگ ها رو یاد بگیرم همون طور که بار معنایی کلمات رایج فرهنگی رو به کمک معاشرت یا خوندن توییتر؛ کم کم میشه یاد گرفت و ناخوداگاه ازشون استفاده کرد. متوجه شدم بعضی از افراد ریزنگر من جمله فروید میگن باید براشون رویا بسازیم. چشمو ببندیم و ببینیم چه داستانی درون اون نماد هست. ای چینگ که همون نماد ها و شش خطی های باستانی چین هست؛ همچین تمی دارن. یعنی پشت هر شش خطی یک داستان قابل تفسیر و سمبلیک هست که

شبیه نمایی از یک خوابه و هر کی به نوبه ی خودش این شش خطی ها رو تفسیر کرده.
رویایی که برای هر سمبل میبینیم ثابت هست و در طول هزاران سال میتونه اصلا تغییر نکنه اما تفسیر خواب هاست که دچار تغییر میشه و این تفسیر ها وابسته به میزان دانش و اگاهی افراده.




یکی از پرتره هام در مورد بیماری های پوستی رو به سایت دادم و همچین پالتی رو استخراج کرد. رنگ کولد تورکی همچین داستانی به ذهنم میده: یک زمینی هست که اگر توی خاکش درختای خوبی کاشته نشه؛ آفت بدی پیدا میکنه و

دیگران رو به خطر میندازه. کشت هم سمبلی از ایده و فکر خوبه.

مثل ادمی که استعداد و ایده های خوبی داره و به این ایده ها اهمیت نمیده. این اشتیاق و رویاپردازی ها درونش تبدیل به آفت میشه و سعی میکنه خودشو در قالب رفتار نابهنجاری نشون بده.



به این طیف ها حساسیت کمتری دارم و معمولا تو نقاشی های پیچیده تر؛ این رنگ ها غالب نمیشن. کمتر انتخابشون میکنم. اما طیف خیلی جالبیه و تم های اسراری و باستانی رو داره.
رنگ کوبینسی همچین داستانی رو به ذهنم میاره:نجار؛ اهل شهر که باید به روستا سفر کنه تا بتونه نقش مفید تری ایفا کنه و همزمان سود بیشتری هم به دست بیاره. به سختی راضی میشه که به روستا بره ولی اونجا بهترین دوستانشو پیدا میکنه.
نمادها: نجار
مهاجرت از شهر به روستا
تجارت
دوست

تفسیر: هر اندازه آدم ها سعی کنن نظم و قوانین خاصی رو تعریف کنن؛ طبیعت با قوانین پیچیده ی خودش اعمال قدرت میکنه. گاهی چیزایی که لازم داریمو جایی پیدا میکنیم که انتظارشو نداریم من جمله احساسات خوبو.

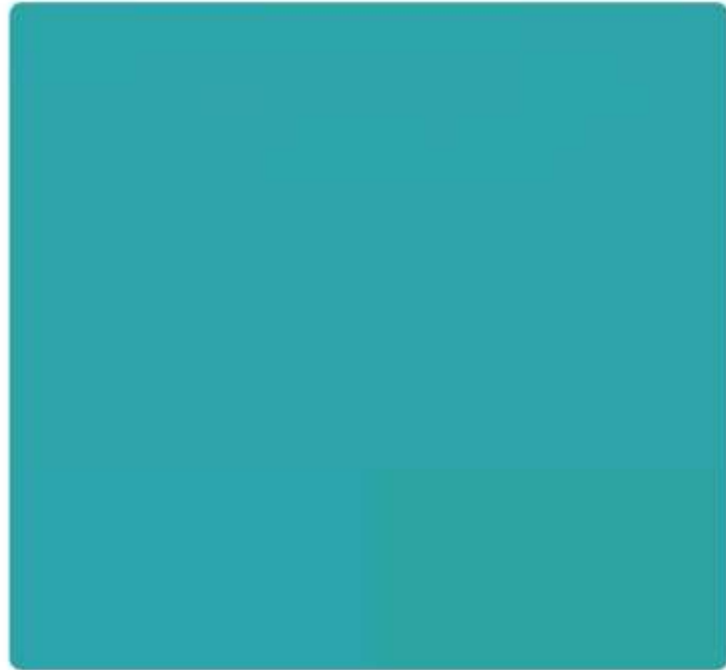
رنگ سورل برون : مرد میانسالی شبیه به سفیر یا وکیل از کاخ بیرون میاد و به نظر میرسه تا حدی دلمشغول صحبت هایی هست که شنیده اما متانت خاصی در رفتارشه. توی جیبش یک کیسه ی مخمل سرخ وجود داره و به خاطر کفش های با ارزشی که اخیرا هدیه گرفته بالقوه دین داره.

نمادها: مرد وکیل متین

کیسه ی مخمل سرخ

هدیه گرفتن کفش

تفسیر: باید مراقب باشیم که از چه منبعی انرژی اعتماد به نفس خودمون رو تهیه میکنیم. افکار فاسد به طور موقت به ما احساس امنیت و اعتماد به نفس میدن اما عملکردشون انگلی و سودجویانه است.




این یکی دیگه از رنگ هاییه که در فصل اخیر زیاد ازش استفاده کردم. وقتی این رنگ رو به سایت کانوا دادم؛ دو طیف رنگی بسیار شبیهش رو نشون داد که توسط این سایت براشون یک اسم انتخاب شده بود. رنگ کیپل بیشترین شباهت رو به رنگی داره که استفاده میکردم. این رنگ سوژه ای اسرار آمیز داره و وقتی بهش فکر میکنم همچین داستانی برام تداعی میشه: زنی با قد کشیده و موهای بلندی به رنگ روشن در دل جنگل زندگی میکنه. جنگل هایی اغلب بارانی. زن گرچه تنهاست اما راز هایی رو در مورد زندگی میدونه که باعث میشه راحت تر بتونه رنج زندگی رو تحمل کنه.

به نظر میرسه اغلب از غذا و آب بی نیازه و این مسائل براش اهمیت زیادی نداره. اون با طبیعت و آینده صحبت میکنه و میبینه که همه چیز در مشت قانون بسیار عادلانه ای قرار داده. قانونی که برای بشر امروزی ناخوش آیند و ناعادلانه به نظر میرسه. زن این تنهایی و گوشه گیری رو برای درک قوانین جهان پذیرفته و داره از مزایاش استفاده میکنه.

طیف های خاکستری

طیف های خاکستری رنگ هایی پیچیده به حساب میان که به سختی میشه توصیفشون کرد. سفید در واقع ترکیبی از همه ی رنگای قابل مشاهده و سیاه درباره ی پنهان شدنشون حرف میزنه. درست مثل فضایی مه گرفته که به سمت تاریکی میره و هیچ ایده ای نداری چند قدم جلوتر چه خبره.

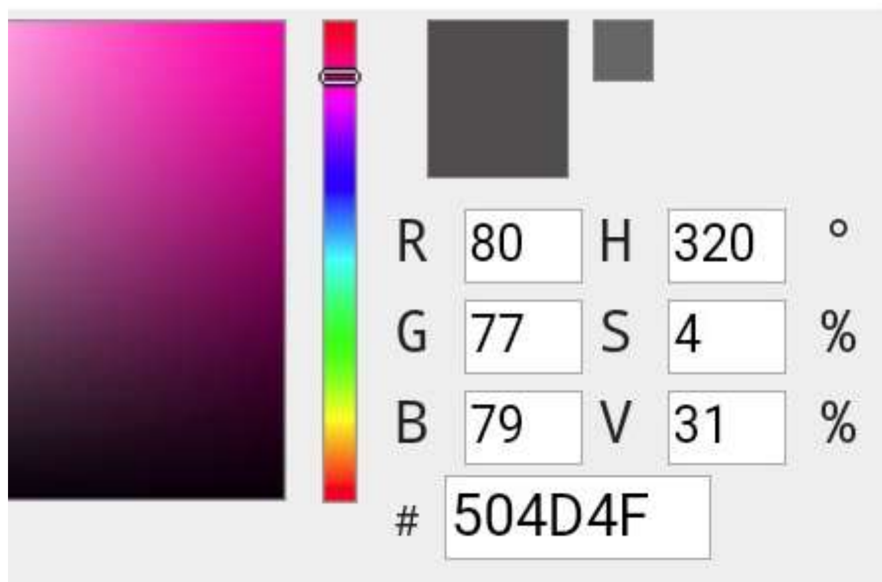
جالب اینه که اگه بخوایم نقاشی هایی شبیه به زندگی روزمره مون بکشیم لازمه این طیف خاکستری رو خیلی خوب بشناسیم و وقتی این طیف حذف بشه؛ نقاشی ما متافیزیکی و عجیب به نظر میاد. به قول بعضی ها دیگه کیفیت این جهانی نداره.

استفاده از خاکستری حین نقاشی میتونه حساسیت ادمو به سرعت بالا ببره. به نظر میرسه افرادی که مدت زیادی با طیف های خاکستری مثلا سیاه قلم کار کردن؛ راحت تر میتونن برن سراغ رنگی کردن کاراشون و راحت تر به رنگای دیگه حساسیت پیدا میکنن ولی مسیر شناخت خاکستری تمومی نداره.




در نگاه اول اصلا به این رنگ نمیاد که طیف رنگیش بنفش باشه. من یک دختر جوانی رو میبینم که تاج رنگ ظریفی داره. مقام درباریش متوسطه اما چون با هوش و ذکاوت اش از یک فرد با نفوذ و مهم در مقابل توطئه محافظت میکنه؛ نفوذ و اعتبار پنهان و سطح بالایی به دست میاره.

اشاره به ایده ها و افکاری داره که لزوما پذیرفته شده یا پر طرفدار نیستن اما مسیر زندگی رو تغییر میدن یا به کارگیریشون بیش از اونچه که فکر میکنیم تاثیر داره.




سایت کانوا همچین اسمی برای این رنگ گذاشتن:

**emperor**

این هم از اون خاکستریاست که طیف رنگی داره ولی خیلی اندکه. یک آقایی رو میبینم که گوشه ای از کتابخونه توی فکر فرو رفته. نمیدونه اما به زودی ارتقای مقام داره و این اتفاق به خاطر مدت ها کار صادقانه بهش تعلق میگیره.

اما الان تو یه جور بحران یا چالش فلسفیه و با خودش فکر میکنه شاید بهتر بود بعضی از کارای نابهنجار یا قانون شکنانه رو انجام میداد. اما چند روز دیگه که اون مقام رو

به دست بیاره نظرش عوض میشه و از خودش بابت شیوه ی کارش تشکر هم میکنه.



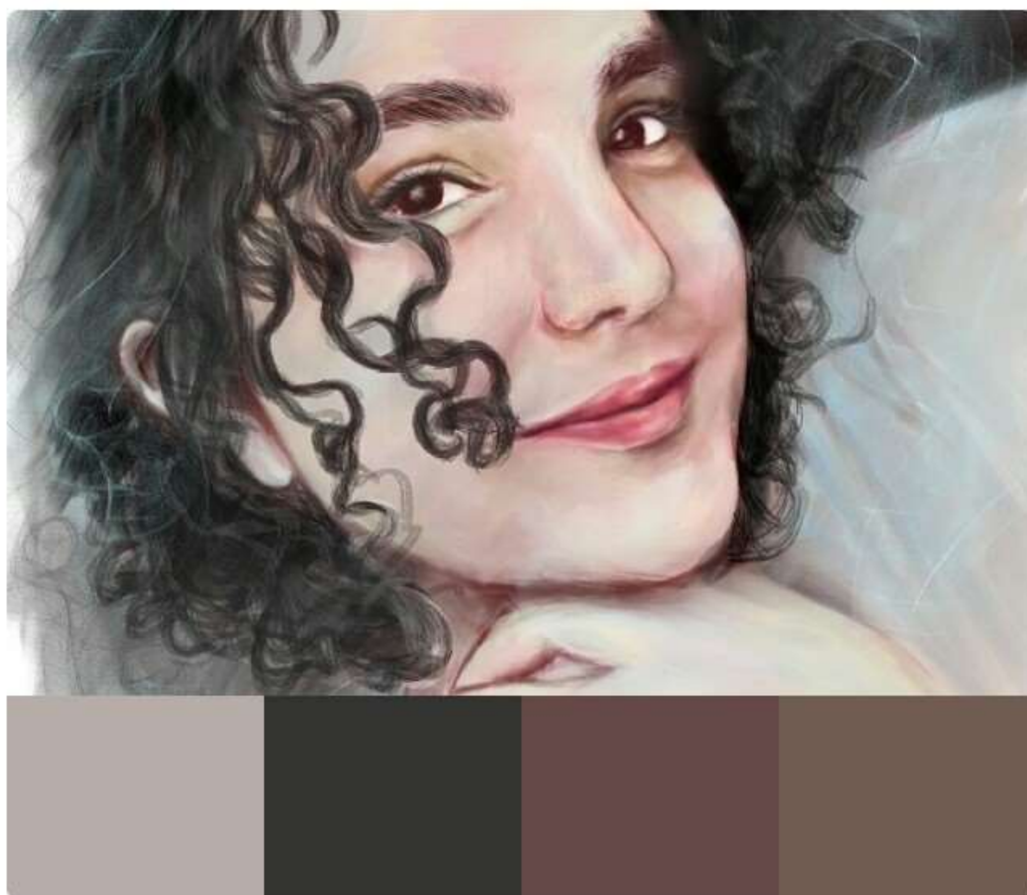

اینم یه طیف تکراری دیگه تو نقاشی های پرتره ی این چند وقت بود. و وجود طیف نارنجی خیلی نامحسوسه. خاکستری هم سمت تاریکی متمایل تره و نماد مرموز بودن. یه دانش آموزی رو میبینم که خیلی ظریف و شکننده است و علوم مرتبط با ریاضیات و مهندسی میخونه اما احساس تعلق خاصی به صنف خودش نداره.
انرژی خودش رو از هنر بداهه و کارهای غیر سفارشی میگیره اما بعد از عرضه ی این پروژه ها به جامعه؛ پروژه

اش بسیار کاربردی میشه و تغییراتی ایجاد میکنه. در واقع این فرد در ابتدا نمیدونسته که قوه ی خلاقیت اش چطور کار میکنه.

اسم این رنگ توی سایت کاموا: **sandstone**

انتخاب رنگ های بهینه تر

معمولا حین نقاشی کشیدن به سراغ رنگ هایی میریم که در طول زندگی حساسیت بیشتری بهشون پیدا کردیم. اما این رنگ ها رو میشه به صورت آگاهانه تغییر داد و به نحوی بهینه سازی کرد. حالا این اتفاق چطور میوفته؟ یکی از راه ها اینه که به رنگ هایی که حین نقاشی کشیدن و به صورت اتفاقی ساخته شدن توجه کنیم. ابزار هایی که برای استخراج رنگ غالب عکس ها ساخته شدن در این زمینه کاربردی هستن که توی این کتاب چند تاشون معرفی شد.




حالا این چهار تا رنگ که بیشتر به این نقاشی غالب هستنو بررسی میکنیم. اما چطوری؟ به کمک قوه ی تصور یک تصویر ذهنی براشون میسازیم و تفسیر میکنیم.
این چهار رنگ رو به ترتیب به سیستم آر جی بی میدم تا کد ها و طیف های مختلف رو تفکیک کنه.




اینجا رنگ به سمت تاریکی تمایل پیدا کرده و تاریکی نماد مرموز و راز آلود بودنه. تصویری از یک پیغام رسان به ذهنم میاد که مضطربه و احساس ترس یا ناامنی داره. مسیری که میره خطرناک و پر از مار های سمیه و احساس میکنه که هرگز نمیتونه زنده به مقصد برسه.

اما در مسیر یک عقاب گاها از راه میرسه و مار ها رو میکشه. مرد وقتی به مقصد میرسه علاوه بر دستمزد اصلیش؛ صاحب یک اسب میشه. اسب نماد نجابت و کار حرفه ای؛ عقاب نماد تیزبین و هوشیار بودن؛ مار نماد ایده های سخت و تند و بعضا ناخوش آیند و آزار دهنده.

با اینکه طیفای خاکستری مرموز و عجیبن ولی طیفای رنگی ای که با نسبت بیشتری با خاکستری ترکیب شدن رو راحت تر تصویر سازی میکنم. حس میکنم اینطوری حجم تصاویر تو ذهنم کمتر میشه و راحت تر میتونم از یه رنگ؛ توی ذهنم داستان بسازم. اون خاکستری مثل مه میاد رو تصاویر.




## رنگ **soft amber**

زن میانسالی رو میبینم که به نظر خیلی وقته تنهاست. هنرمنده و حاشیه ی یک بیابان زندگی میکنه. پیراهن سرخ رنگی رو همیشه میپوشه ولی با ردا پنهانش میکنه. عقیده داره این پیراهنه از هزیوون و فرسوده شدن ذهنش جلوگیری میکنه.

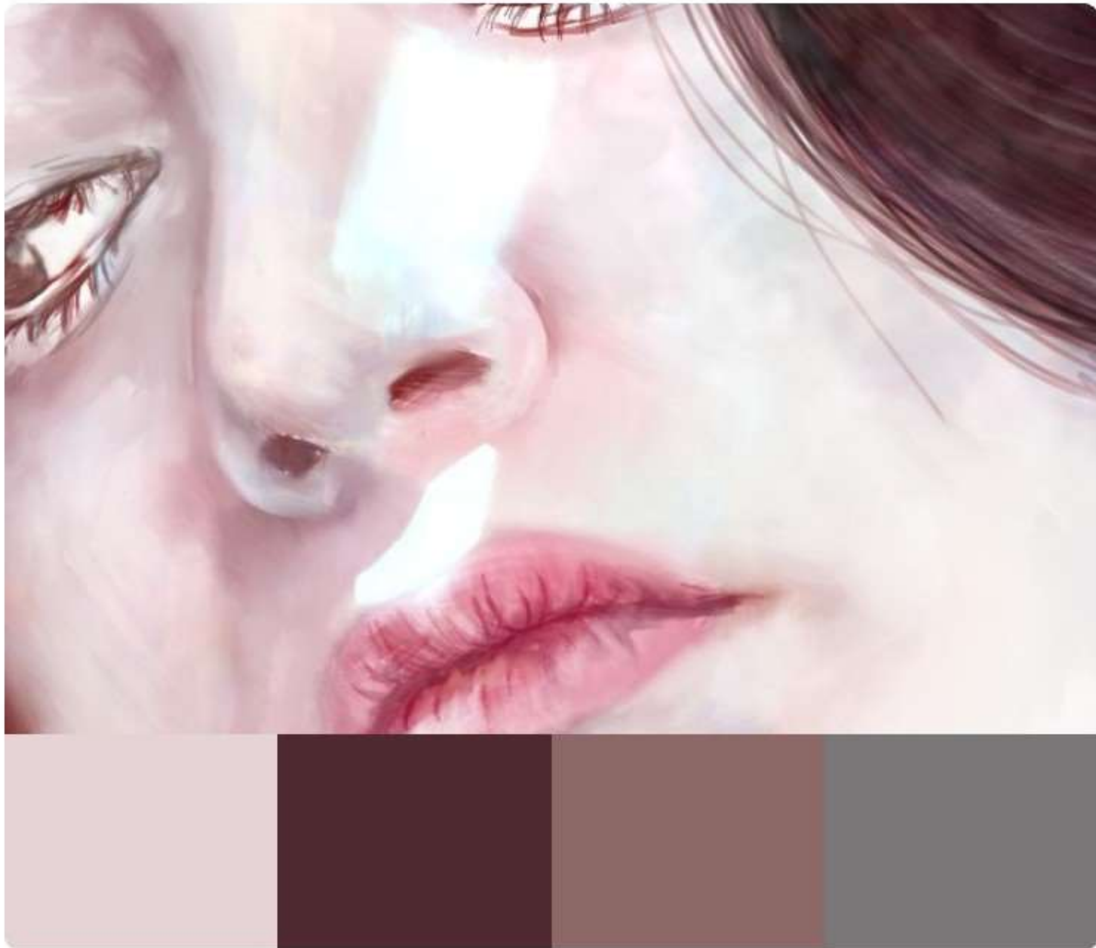
تفسیر: دوره هایی از زندگی هست که ذهن ما مثل بیابونه؛ انرژی کافی برای کاشت ایده و پرورش اش رو نداریم. حتی ممکنه یک سری احساسات رایج و خوب هم دیگه درونمون نایاب بشه. تو این دوره ها لازمه یاد بگیریم از خودمون مراقبت کنیم تا خاک فکرمون خشک و تکه تکه نشه.

رنگ سویا بین: راه نسبتا طولانی ای رو برای پیدا کردن سوژه رفتم. مسیر مقداری باتلاق داشت ولی اینجا در واقع یک باغه و فردی به تنهایی زندگی میکنه. البته اون یک فرد منزوی و کناره گیر نیست. استاد دانشگاه یا همچین چیزیه و برای تکمیل کتاب گیاه شناسیش اومده اینجا.

با هیجان مشغول بررسی آناتومی گیاه کوچکی با میوه های سرخ کوچکه.

تفسیر: ذهن پر ثمر هم چالش های خودشو داره اما همیشه بهره برداری از ثمراتش مساوی نیست با کارهای پر ریسک و فرسایشی. گاهی یک کتاب قطور رو صرفا برای فهمیدن

یک جمله میخونیم اما فهمیدن همون یک جمله سرنوشت سازه.



| Wafer | Livid Brown | Opium | Empress |
| --- | --- | --- | --- |
| #E5D3D5 | #4F2B31 | #8C6866 | #7A7779 |

وافر: دختری رو میبینم که درون کتابخونه است. گیاهی که میوه اش پوست سخت و مغزش مزه ی تلخی داره رو به شکل متفاوتی مورد بررسی قرار میده تا ازش ماده ی کاربردی تری بسازه. بر خلاف دیگران که تلخی میوه رو میگیرن و ازش به عنوان خوراکی سرگرم کننده استفاده میکنن. چیزای دور ریختنی تا زمانی دور ریختنی هستن که ندونیم چطور میشه ازشون استفاده ی مفیدی کرد. حتی اگر اون دور ریختنی ها یک سری فکر و احساس باشن.

لیود برون: رنگ به نسبت سختیه چون طیفای سیاه و سفید درونش نسبت به رنگای قبلی کمتره. تصویر یک شهر رو میبینم که به تازگی یک جنگ رو پشت سر گذاشته. مراکز آموزشی شون دوباره داره باز میشه. جلوی یکی از این مراکز یه درخت با گل های کاغذی و بنفش هست. شب قبل هم بارون اومده.
هر زمان که درگیری ها تموم بشن چیزی برای الهام گرفتن وجود داره. درگیری فکری و ترس و خشم نمیذاره توانایی های خودمون رو بشناسیم و ازشون استفاده کنیم. شهود منبع

تموم نشدنی ذوق و ایده است که با رفع انسداد ها راحت میشه ازش استفاده کرد.

اپیوم: دختری رو میبینم که انگشت ها و دستاش دچار مشکل مزمنی هست که باعث شده نتونه کارای سخت انجام بده و فقط حرکات بسیار ظریفی از این دست ها ساخته است. این دست ها حساسیت خاصی به ظرافت پیدا میکنن و کارایی رو انجام میدن که آدمای دیگه به راحتی از پسشون بر نمیان.

در نهایت:
این مقاله یک مرور کوتاه در مورد رنگ ها و شیوه ی مطالعه ی شهودیشون هست که تمرکزش روی نقاشی پرتره و رنگ هایی هست که پیشنهاد میشه در نقاشی پرتره به کار بگیرید. این رنگ ها تنها رنگ های کاربردی در نقاشی پرتره نیستن و طیف وسیعی از رنگ ها رو میشه برای سبک های مختلف پرتره نگاری و تصویرگری به کار گرفت. مهم اینه که ما چقدر به رنگ ها حساسیت داریم و

حساسیت ما به طیف های مختلف چقدر هست. هر فردی شیوه های درک و یادگیری متفاوتی داره و این شیوه ی شهودی هم یکی از اون روش هایی هست که میتونید امتحان کنید و به این ترتیب آرشیو شخصی خودتون از رنگ ها رو درست کنید. این سفر های شهودی رو می تونید بنویسید و در اختیار دیگران قرار بدید. هدف از سفر؛ کسب تجربه است و تجربه نیازمند هدف خاصی نیست. صرف خوده کسب تجربه میتونه برای هر موجود کنجکاوی لذت بخش باشه.